

متن پرسش

با جمله ای از شما بعد از سالها در رابطه با به خود آمدن بشر جدید، باز عقده دیرینه را گشادم و از خود می پرسم خدایا چطور ممکن است این همه لطف تو شامل ما شده. آن جمله این است: (خود باش، تا زندگی باشی) راستی آیا قیام در خود و سیر از خود وهمی به خود حقیقی عاملی نیست که با اولین جرعه حیات از لابه لای خاکستر روزمژگی روبه رو شویم؟ تا از آن جرعه مشعلی فراهم آید که هم فرا راه خود را روشن کنیم و هم دیگران را دعوت به رفتن نماییم؟ از طریق آشتی با خود، راه دقیق نگاه کردن به عالم درون آشکار می شود، راهی به ماوراء عالم اشیاء. خودت، آری خود خودت، يك انگشت اشاره به عالم لایتناهی هستی، و می توانی تو ای انگشت اشاره به عالم درون! از طریق خودت راه زندگی صحیح را بیابی، آن وقت که خود را یافتی، می بینی که خودت يك زندگی صحیح هستی، آنکه بیراهه می رود ناخود تو است، خود را ناخود نکن، خود باش تا زندگی باشی، و این هم آغاز راه است و هم پایان راه، تفاوت در چگونه بودن خود است، که چقدر خود هستیم، و چقدر از ناخود آزاد شده ایم.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: این یعنی «در بلا هم می چشم الطاف او» و این یعنی «مِنْبَلَم بِي زَخْم نَاسَايِد تَنَم» و این یعنی «در دهانه آتشفشان باید خانه ساخت و از هر طوفانی استقبال کرد». زیرا خود را در هستی و هستی را در خود یافته ایم. و این همان حضور در تاریخ انقلاب اسلامی است که بنا دارد همه کاخ های خودبینی و خودرأیی را به لرزه آورد، با عزمی که مجاهدان جهان غزه ذیل لشکر سپاه قدس انجام دادند و ادامه می دهند. موفق باشید